یادداشت

جلوه‌ای از اقدام مدیران نهاد وکالت علیه استقلال نهاد وکالت

ادامه از صفحه اول

اما در ماده ۱۵۸ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰، حکم جدیدی پیش‌بینی شده است؛ «در همه مواردی که مطابق قوانین یا مقررات این آیین‌نامه، برای تصدی هریک از سمت‌های مربوط به ارکان کانون و نهادهای وابسته به آن یا سمت‌های مربوط به مجامع، کمیسیون‌ها، کمیته‌ها و هیئت‌های مربوط یا وابسته به کانون، داشتن شرایط قانونی عضویت در هیئت‌مدیره کانون مقرر شده باشد، افرادی که به موجب تصمیم دادگاه عالی برای عضویت در هیئت‌مدیره کانون رد صلاحیت شده باشند، تا پایان آن دوره از تصدی سمت‌های یادشده ممنوع هستند. تصدی هریک از سمت‌های مذکور در این ماده توسط افراد رد صلاحیت شده بعد از دوره مزبور، منوط به تأیید صلاحیت آنان در دادگاه عالی است». در مصوبه مجمع عمومی با پذیرش اصل نظارت دادگاه عالی انتظامی قضات بر صلاحیت هیئت‌رئیسه اسکودا، بنا بر اصلاح این ماده و گنجاندن اعضای هیئت‌رئیسه اسکودا در سمت‌های موضوع ماده فوق است. این نظارت با توجه به موارد ذیل خلاف اصول و مبانی حقوق و نافی حق دفاع است؛

۱- اسکودا نهادی خصوصی و غیرانتفاعی است: اسکودا مؤسسه‌ای است کاملا خصوصی و غیرانتفاعی، که نظارت استصوابی بر صلاحیت مدیران آن شبیه دخالت دولت در تعیین مدیران شرکت‌های خصوصی غیرضروری و بلکه مغایر با قانون است. قوه قضائیه نیز اسکودا را مؤسسه‌ای خصوصی می‌داند:

الف-معاونت قوه قضائیه در نامه مورخه ۱۴۰۳/۵/۲۵خطاب به سازمان سنجش اعلام کرد اسکودا مؤسسه‌ای است که با قرارداد خصوصی و مستقل بین کانون‌ها ایجاد شده و در قانون پیش‌بینی نشده است. ب- شعبه پنجم دادگاه عالی انتظامی قضات در رسیدگی به درخواست مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲معاونت حقوقی قوه قضائیه با موضوع «احراز یا عدم احراز صلاحیت افراد داوطلبی که برای شرکت در یازدهمین انتخابات هیئت‌رئیسه و بازرسان اسکودا ثبت‌نام کردند، طی دادنامه شماره ۱۴۰۲۰۶۳۹۰۰۰۰۹۳۳۹۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۶اعلام کرد اسکودا ازجمله ارکان کانون وکلای دادگستری یا نهاد وابسته به آن به شمار نمی‌رود. مسئله صلاحیت در حقوق عمومی موکول به تصریح قانون‌گذار است و اساسنامه یک مؤسسه خصوصی نمی‌تواند برای دادگاه انتظامی قضات در جهت دخالت یا نظارت ایجاد صلاحیت یا تکلیف کند. به‌این‌ترتیب اصلاح ماده ۱۵۸ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا درباره اسکودا ضرورتی نخواهد داشت. اتحادیه مولود تصمیم کانون‌های وکلا با هدف هماهنگی در امور داخلی ازجمله برگزاری آزمون ورودی و اختبار به صورت هماهنگ و متحد است.

۲- شرایط اخذ پروانه وکالت همانند نمایندگی مجلس است: هر وکیل و همه مدیران نهاد وکالت باید دارای پروانه وکالت باشند. در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت قید شده که متقاضی وکالت علاوه بر دارابودن دانش‌نامه لیسانس یا بالاتر حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا معادل آن از دروس حوزوی و دانشگاهی باید شرایط زیر را داشته باشد: الف - اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام. ب - اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه، قانون اساسی. ج - نداشتن پیشینه محکومیت مؤثر کیفری. د - نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروه‌های الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروه‌هایی که مرام‌نامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی‌است. ه- وابستگی‌نداشتن به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت. و - نداشتن عضویت و هواداری از گروهک‌های غیرقانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران. ز - نداشتن اعتیاد به مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی. برای احراز شرایط فوق از پزشکی قانونی، وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، قوه قضائیه، گاهی حفاظت اطلاعات قوه قضائیه و ارزشیابی قضات استعلام انجام می‌شود. با این اوصاف یک شخص برای اخذ پروانه وکالت باید شرایطی مثل یک نماینده مجلس را داشته باشد. پس به طریق اولی مدیریت بر یک نهاد غیرانتفاعی خصوصی مانع قانونی ندارد.

۳- سلب حقوق مدنی: یکی از حقوق مدنی پیش‌بینی‌شده در قوانین و معاهدات بین‌المللی حق آزادی انتخاب‌شدن است. در ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (International Covenant on Civil and Political Rights) چنین آمده است که همه انسان‌ها حق دارند در اداره امور جامعه بالمباشره یا به‌واسطه شرکت کنند و ازاین‌رو حق ایشان به‌عنوان انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده محفوظ و مؤکد شده است. این معاهده به تصویب مجلس ایران رسیده و به‌عنوان یک قانون لازم‌الاتباع است. همچنین مستنبط از اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انجمن‌های سیاسی و صنفی در فعالیت‌های خود مشروط بر رعایت منطوق این اصل آزاد هستند. پس حقوق‌دانان عضو مجمع عمومی اسکودا با وصف اطلاع از این قانون آن را نقض کرده‌اند.

۴- مصوبه‌ای علیه استقلال نهاد وکالت: پرواضح است که مصوبه مجمع عمومی خلاف اصل استقلال نهاد وکالت و خارج از حدود صلاحیت مدیران کانون‌ها و هیئت عمومی اسکوداست. به موجب بند الف ماده ۳ اساسنامه اسکودا «اولین وظیفه اسکودا تلاش برای حفظ و حراست از استقلال نهاد وکالت است». تصمیمی که علیه استقلال کانون وکلا باشد، خلاف مقتضای ذات این وظیفه است که در اساسنامه اسکودا به آن تصریح شده است.

۵- رد استدلال موافقان مصوبه: موافقان اعمال نظر قوه قضائیه در احراز صلاحیت هیئت‌رئیسه اتحادیه با وجود علم بر موضع حقوقی فوق معتقدند اتحادیه از حد یک نهاد قراردادی که با هدف ایجاد هماهنگی در میان کانون‌ها تأسی شد، فراتر رفته و در مواردی جانشین کانون‌های وکلا شده است. اگرچه در سال‌های اخیر اسکودا در برخی موارد از رسالت اصلی خود فاصله گرفته و سعی کرده نقش یک نهاد فرا کانونی را ایفا کند اما این خروج موضوعی نمی‌تواند موجب تغییر ماهیت آن به‌عنوان یک نهاد قراردادی باشد.

کوتاه سخن آنکه مدیران نهاد وکالت از سوی مجمع عمومی یعنی همه وکلای دارای پروانه به نمایندگی آن هم برای مدت‌زمان مشخص و محدود انتخاب شده‌اند تا منافع این نهاد ملی دارای استقلال، آحاد وکلای مستقل و همچنین مردم این سرزمین را حفظ و به آیندگان بسپارند و چنانچه غبطه موکلان خود یعنی وکلای عضو مجمع عمومی را رعایت نکنند، تصمیمات ایشان مطابق با اصول کلی حاکم بر اقتضائات امر وکالت، قابل ابطال در محاکم عمومی دادگستری است.

* وکیل پایه یک دادگستری، پژوهشگر دوره دکترای حقوق عمومی

گزارشی از مداخله دولت‌ها در بازار برق که خاموشی‌های پی‌درپی را به وجود آورده است

آفت برق دولتی

مهدی عرب‌صادق
کارشناس انرژی

قطع روزانه برق خانگی در شرایطی رخ داده است که مشترکان می‌گویند در قبوض صادرشده دوره جدید، قیمت برق ۳۸ درصد افزایش داشته است. از آن سو، تولیدکنندگان برق می‌گویند عواید حاصل از افزایش قیمت‌ها معمولا به جیب دولت می‌رود و دولت با دخالت گسترده در قیمت‌گذاری، تولید، توزیع و در مجموع بازار برق، این صنعت را زمین‌گیر کرده است. ماجرا به همین‌جا ختم نمی‌شود و تجربیات ناموفق خصوصی‌سازی و واگذاری بنگاه‌ها به شبه‌خصولتی‌ها و صاحبان منافع و رانت، سبب شده است بسیاری در دفاع از خصوصی‌سازی دچار تردید شوند و معتقد باشند بدون اصلاحات ساختاری و اعتمادسازی برای مردم، خصوصی‌سازی هم سرنوشت موفقی نخواهد داشت و نمی‌تواند ناجی صنعت برق باشد.

تولید، توزیع و در کل بازار برق با دخالت‌های بی‌شمار دولت زمین‌گیر شده و نه‌تنها یکی از بزرگ‌ترین مالکان منابع انرژی جهان را با کمبود انرژی روبه‌رو کرده، بلکه تولید انرژی با آلودگی بالا را صاحب مزیت کرده است. این در حالی است که در بازار اروپا، تجربه خصوصی‌سازی برق توانست کشورهای اروپایی را به تولید گسترده برق پاک برساند. بهای برق در بازار خرده‌فروشی اروپا در شرایط عادی حدود صد یورو برای هر مگاوات ساعت است؛ معادل آن در کشور ما پنج‌هزارو ۳۰۰ تومان برای هر کیلووات ساعت که البته مشترکین حدود دو درصد آن را پرداخت می‌کنند و مابه‌التفاوت نرخ تعیینی و تکلیفی که پس از هفت‌خان به وزارت نیرو پرداخت می‌شود، حدود پنج درصد است و معنای این بیش از ۹۰ درصد انحراف در درآمد و هزینه‌های صنعت برق در کشور ماست که عملا قانون‌گذار کنار ایستاده و برای حفظ منافع سیاسی خود، حاضر نیست به اصلاح قانون بپردازد و در مقابل، پشت نقاب حمایت از مصرف‌کننده پنهان شده است. این در صورتی است که دود آتش ناترازی درآمد و هزینه به چشم مردم می‌رود و از جیب آنها برای رانت‌خواران هزینه می‌شود. درواقع هر بخش از صنعت که به علت نبود نوسازی و سرمایه‌گذاری از بین می‌رود، بخشی از سرمایه مردم است که می‌سوزد و دودش در چشم همان ملت می‌رود و بهای گزاف آن خاموشی است. اصل ماجرا این است که با GDP کشور، اگر برای رساندن یک الکترون به لامپ حدود ۱۰ سنت هزینه می‌کنیم (عدد دقیق آن ۸.۴ سنت است)، برای نرساندن این الکترون و خاموشی حدود ۱۰ دلار خسارت می‌بینیم. این خسارت بر عهده قانون‌گذار است که با اصلاح‌نشدن قانون، به‌نحوی کشور را معطل کرده و در ضرر گزاف قرار داده است. درواقع نظام تعرفه‌گذاری غلط و دخالت بی‌حدوحصر دولت در بازار برق، زیان‌های کلانی به اقتصاد کشور رسانده است.

یک تجربه از بازارسپاری برق به بخش خصوصی

در بخش‌هایی از اروپا مثل آلمان، تعادل تولید و مصرف را به بازار و بخش خصوصی می‌سپارند و در شرایطی که تولید، بیشتر از ظرفیت شبکه انتقال می‌شود، نرخ برق تا آنجا که تعادل ایجاد شود، پایین می‌آید و حتی قیمت منفی می‌شود؛ یعنی تولیدکنندگان برق حاضر به پرداخت هزینه برای انتقال انرژی به مصرف‌کننده می‌شوند. درواقع بازارهای برق در اروپا بود که شرکت‌های تولید برق فسیلی را به حاشیه راند و از اعتبار آنها کاست و عملا بخش خصوصی خود بهترین و بهینه‌ترین روش تولید و فروش برق را یافت و آن تولید برق کم‌کربن در قالب انرژی‌های تجدیدپذیر بود. از سال ۲۰۰۸ به بعد، شرکت‌های تولید برق سنتی و فسیلی براساس شاخص مورگان استنلی بدترین وضعیت را تجربه کردند و ارزش سهام آنها به‌طور متوسط به یک‌سوم ارزش قبل رسید و به همین میزان انرژی تجدیدپذیر رشد داشت. اگر دقت شود، در ایران چون خصوصی‌سازی پشت در مانده است و بخشی از سهم کوچک بخش خصوصی را هم خصولتی‌ها و رانت‌خواران تشکیل می‌دهند، اجازه این تغییرات و افت‌وخیزها را نمی‌دهد؛ چراکه سود بر مبنای رانت نفت و گاز است، نه تکنولوژی. همچنین باید گفت قیمت‌های سوخت در روند سرمایه‌گذاری اثرگذار بوده است؛ مثلا در مقاطعی که قیمت و جریمه کربن سوخت زغال‌سنگ در اروپا بنا بر تغییرات قوانین و همچنین مازاد زغال‌سنگ آمریکا کاهش یافت، شرکت‌های تولیدکننده گازی و هسته‌ای به حاشیه سود کمتری کشانده شدند و با رشد انرژی سبز، همه این تولیدکنندگان به مرز ورشکستگی یا پذیرش شروع تغییر در روش تولید برق خورشیدی یا بادی رسیدند. این تغییرات و پویایی در بازار انحصاری و دولتی برق در کشور ما قابلیت ظهور ندارند یا اگر بخواهند قوانین را اصلاح کنند، ذی‌نفعان برق و گاز سیاسی اجازه اصلاح قوانین را نمی‌دهند؛ بنابراین بیراه نیست اگر گفته شود علت نه‌تنها ناترازی برق بلکه بحران برق امروز، ساختار انحصار و دولت تولید و فروش برق است. باید تولید و توزیع انرژی به مردم و نه به خصولتی‌ها و رانت‌خواران سپرده شود و مالکیت انرژی را به تولیدکننده آن بسپاریم و نقش حاکمیتی وزارت نیرو در تنظیم‌گری کلان باشد و منافعش را از ترانزیت بگیرد. در چنین الگویی، نیروگاهی که بدسوزی دارد، به ضرر می‌رسد و مجبور به اصلاح می‌شود. در کشور آلمان، بازارهای عمده‌فروشی برق را حدود ۹۰ یورو در ساعات اوج بار و ۴۰ یورو در ساعات کم‌باری برای هر مگاوات ساعت خریداری می‌کنند و خرده‌فروش‌ها با مشترکین پرمصرف مسکونی تا ۲۸۵ یورو برای هر مگاوات ساعت آن را محاسبه می‌کنند و بخشی از این مبلغ دریافتی را به چرخه توسعه انرژی تجدیدپذیر برمی‌گردانند. باید شبکه انتقال ملزم باشد ابتدا برق تولیدی نیروگاه‌های تجدیدپذیر را انتقال دهد و بازار برق مکلف به خرید و فروش سبز باشد و برق کربنی به اولویت‌های بعد رانده شود. برای دستیابی به این شرایط، باید الگوی بازار برق در اروپا پیاده شود و یک بازار خرده‌فروشی (Retail Market) و بازار عمومی (Wholesale Market) برای فروش برق ایجاد کنیم. در بازار عمومی، تعاملات بین تولیدکنندگان برق و عمده‌فروشان تنظیم شود و بر اساس اصل رقابت، تولیدکنندگان برای فروش برق به قیمت‌های رقابتی تلاش کنند. همچنین در بورس انرژی عمده‌فروشی برق، قیمت‌ها بر اساس عرضه و تقاضا تعیین شوند و قیمت برق در این بازار به‌شدت تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند وضعیت آب‌وهوایی، تقاضای مصرف و هزینه‌های تولید قرار دارد. در بازار خرده‌فروشی یا Retail Market، فروش برق به مصرف‌کنندگان نهایی را انجام دهد و با پیگیری سیاست‌های تنوع تأمین‌کنندگان، به مصرف‌کنندگان امکان دهد از میان چندین تأمین‌کننده برق انتخاب کنند و به این ترتیب رقابت بیشتری در این بازار بر اساس قراردادهای بلندمدت و کوتاه‌مدت تنظیم شود و مصرف‌کنندگان قراردادهای متفاوتی با تأمین‌کنندگان امضا کنند. در نتیجه می‌توانند نرخ ثابت یا متغیر را برنامه‌ریزی کنند و در این روند بسیاری از تأمین‌کنندگان و مصرف‌کنندگان برق، گزینه‌های انرژی تجدیدپذیر را انتخاب خواهند کرد. با افزایش رقابت، بسیاری از شرکت‌ها به دنبال ادغام هستند تا بهره‌وری و سهم بازار خود را افزایش دهند و سیاست‌گذاری‌ها بر اساس انرژی پایدار شکل خواهد گرفت و در این فضا، نوآوری‌های فناورانه و فناوری‌های جدید مانند شبکه‌های هوشمند و منابع انرژی توزیع‌شده، به تغییرات اساسی در الگوی بازار برق کمک خواهند کرد.

خصوصی‌سازی صنعت برق در ایران و چالش‌های آن

در فرایند خصوصی‌سازی صنعت برق، هزینه‌ها کاهش و راندمان افزایش می‌یابد و نقش حاکمیتی وزارت نیرو در قالب مالکیت شبکه انتقال و تنظیم‌گر کلان حفظ می‌شود. البته نیاز به نظارت جدی برای پیشگیری از تمرکز بر سود، افزایش ریسک اجتماعی، شکل‌گیری انحصار و ریسک افزایش نابرابری در دسترسی به انرژی مطرح خواهد شد. خصوصی‌سازی شرکت‌های توزیع نیروی برق در ایران با هدف افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت خدمات انجام شد، اما در عمل با چالش‌هایی مواجه شد که منجر به ناکارآمدی آن شدند و در حد شعار خصوصی‌سازی باقی مانده است. برخی از علت‌های آن عبارت‌اند از:

۱. ناقص‌بودن ساختار قانونی و مقرراتی که در بسیاری از موارد، قوانین و مقررات لازم برای نظارت بر فعالیت‌های بخش خصوصی وجود نداشت که این امر باعث شد خصوصی‌سازی به‌طور کامل و مؤثر پیاده‌سازی نشود.

۲. شرکت‌های خصوصی نتوانسته‌اند به خوبی مدیریت منابع و نیروی انسانی را بر عهده بگیرند. این مشکل در برخی موارد به دلیل کافی‌نبودن تجربه و دانش در زمینه مدیریت صنایع برق به وجود آمده است.

۳. در بازارهای غیررقابتی، خصوصی‌سازی ممکن است به بهبود کارایی منجر نشود. در برخی مناطق، به‌جای رقابت، شرکت‌های توزیع نیروی برق با بازار انحصاری مواجه بودند.

۴. بسیاری از شرکت‌های خصوصی برای توسعه و به‌روزرسانی تجهیزات، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان دارند، اما شرکت‌های توزیع استانی به دلیل بحران‌های اقتصادی و دسترسی محدود به منابع مالی، نتوانسته‌اند این سرمایه‌گذاری‌ها را انجام دهند.

۵. بهره‌برداری ناپایدار از منابع که به علت ساختار دولتی این شرکت‌های به‌ظاهر خصوصی رخ داده است.

با توجه به این چالش‌ها، خصوصی‌سازی شرکت‌های توزیع نیروی برق در ایران نتوانسته به اهداف معین‌شده خود دست یابد و نیازمند بازنگری و اصلاحات اساسی است. به‌طور کلی، باید الگوی بازار برق خصوصی واقعی شود و به سمت رقابتی‌ترشدن حرکت کند و توجه بیشتر به پایداری و انرژی‌های تجدیدپذیر شکل بگیرد. با چنین الگویی، ایالات متحده آمریکا توانسته بیش از چهارهزارو ۵۰۰ تراوات ساعت نیاز مصرف خود را تأمین کند. نکته مهم اینجاست که شاخص انرژی کل به توان نصب‌شده در این کشور بیشتر از ۱۰ است و معادل این شاخص برای ساختار دولتی در کشور ما حدود چهار است و دلیل عمده این ۶۰ درصد اختلاف، به ساختار دولتی صنعت برق برمی‌گردد. شرکت‌های مختلف تأمین‌کننده برق در چنین ساختاری متشکل از بازارهای مبتنی بر اقتصاد آزاد انرژی، توانسته‌اند با توجه به شرایط شبکه از جهت توسعه و فرسودگی، آب‌وهوا و وضعیت ذخیره سوخت، تعرفه‌های متفاوتی ارائه دهند که این عدد برای شهر نیویورک سه برابر متوسط کل آمریکا یعنی ۳۶ سنت است. به‌طور کلی، خصوصی‌سازی و ایجاد بازار رقابتی در صنعت برق، باعث کاهش هزینه‌های تولید انرژی الکتریکی و توسعه صنعت و اقتصاد در کشور می‌شود. این انتخاب اصولا بر اساس قیمت انرژی و قیمت کیفیت سایر خدمات آن شرکت‌هاست. در آمریکا، ۱۶ درصد از تأسیسات تولیدی برق تحت مالکیت نهادهای عمومی و دولت فدرال است؛ اما در کشور ما، در حقیقت پوسته شرکت‌های توزیع نیروی برق خصوصی شد ولی هسته آنها (تفکر، مقررات، رفتار و کنترل) دولتی باقی ماند. بنابراین از آن زمان تا به حال، این شرکت‌ها استعداد جذب ویژگی‌های منفی هر دو شکل خصوصی و دولتی را دارند. مثال‌های متعددی می‌توان ارائه کرد که خلاقیت کارشناسان و مدیران جسور، ذیل تفکر مدیران دولتی بخش برق و حتی دخالت‌های گاه‌وبیگاه نهادهای نظارتی مدفون شده است. همچنین مصادیق متعددی می‌توان بیان کرد که شرکت‌های توزیع، انعطاف‌پذیری غیردولتی‌بودن خود را نابجا خرج کرده‌اند. در کشور ما، اگرچه ظاهرا شرکت‌های توزیع نیروی برق به‌صورت خصوصی اداره می‌شوند، اما بنیاد و جوهر اصلی آنها (ازجمله تفکر، قوانین، رفتار و نظارت) همچنان تحت کنترل دولت باقی مانده است. ازاین‌رو، تا به امروز این شرکت‌ها قادر به جذب ویژگی‌های منفی مرتبط با هر دو نوع مالکیت خصوصی و دولتی هستند. نمونه‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد نبوغ کارشناسان و مدیران باشهامت، در زیر سایه تفکر دیوان‌سالاری مدیریتی و همچنین مداخلات گاه‌وبیگاه نهادهای نظارتی، به حاشیه رانده شده است. به‌علاوه، موارد بسیاری قابل ذکر است که شرکت‌های توزیع، توانایی غیردولتی خود را به‌طور نابجایی به کار گرفته‌اند. در حال حاضر، نیمی از سهام شرکت صبا به شرکت دولتی ساتکاپ (که هم‌اکنون صبا نامیده می‌شود) و نیم دیگر به آستان قدس رضوی تعلق دارد که از این میان آستان قدس رضوی هم یک شرکت شبه‌دولتی محسوب می‌شود. بنابراین باید در حفظ تأسیسات به‌صورت دولتی (سیم‌داری با دولت) و با حضور شرکت‌های بهره‌بردار کاملا خصوصی (فعالیت‌های تجاری برق با بخش خصوصی) کوشید تا از الگوهای موفق جهانی بهره برد و بتوان بر بخشی از مشکلات زیرساختی و بهینه‌سازی شبکه برق غلبه کرد.

خبر

۱۴۷ تقاطع لوله‌های اصلی گاز تهران روی گسل

رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه و شهرسازی گفت: در مناطقی که بافت فرسوده تراکم بالایی دارد، با وقوع زلزله پنج‌ریشتری، سیستم قطع اتوماتیک گاز به کار می‌افتد؛ اما در منطقه‌ای کیفیت ساخت‌وساز در آن بالاتر است، سیستم قطع گاز با وقوع زلزله با بزرگی ۶.۵ ریشتر به بالا فعال خواهد شد.

علی بیت‌الهی، رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، در گفت‌وگو با ایلنا درباره خطر نزدیکی نقاط تقاطعی لوله‌های اصلی گاز با گسل‌های تهران گفت: حدود ۱۴۷ نقطه تقاطعی با لوله‌های اصلی گاز در شهر تهران وجود دارد. از غرب تا شرق تهران چندین منطقه گازی وجود دارد، همچنین در شمال به جنوب لوله‌های اصلی گاز کشیده شده که این لوله‌های اصلی تنها در منطقه یک شهر به‌طور متناوب سه گسل لویزان، نیاوران و شمال تهران را قطع می‌کنند و چند لوله اصلی گاز در این تقاطع وجود دارد. او ادامه داد: علت تأکید درباره تقاطع لوله‌های گاز این است که در جابه‌جایی گسل‌ها در جنبش نیرومند زمین و وقتی حرکت زمین اتفاق می‌افتد، احتمال گسیختگی این لوله‌های گاز وجود دارد و ریسک بسیار بالایی را ایجاد می‌کند.

رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی گفت: شرکت گاز تهران با همکاری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی اقداماتی درباره خطوط قطع انتقال گاز به صورت اتوماتیک بعد از وقوع زلزله طراحی کرده است که خوشبختانه از نظر شهرسازی و بهره‌مندی از امکانات گاز، این اقدام مزیت محسوب می‌شود و استانداردهای فنی بالایی دارد؛ اما نگرانی در جابه‌جایی گسل است که این خطوط تقاطعی باعث قطع‌شدگی ناگهانی لوله شوند و خروج گاز خطرآفرین شود.

بیت‌الهی افزود: برای این منظور، سیستم قطع اتوماتیک با نصب شتاب‌نگار در ایستگاه‌ها نصب شده و به اجرا درآمده است که بلافاصله چند ثانیه بعد از وقوع زلزله بزرگ، قطع گاز انجام می‌شود.

رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی ادامه داد: بحث قطع اتوماتیک گاز در برابر زلزله چندریشتری از قبل محاسبه شده و منطقه‌بندی کرده‌ایم که آستانه تحریک و پاسخ‌دهی آن برای قطعی گاز در برابر زلزله چقدر باشد. بیت‌الهی تأکید کرد: در مناطقی که بافت فرسوده تراکم بالایی دارد، با وقوع زلزله پنج‌ریشتری، سیستم قطع اتوماتیک گاز به کار می‌افتد؛ اما در منطقه‌ای که کیفیت ساخت‌وساز در آن بالاتر است، سیستم قطع گاز با وقوع زلزله با بزرگی ۶.۵ ریشتر به بالا فعال خواهد شد. وی گفت: این سیستم فقط برای تهران فعال است؛ چراکه تراکم لوله‌های گاز در شهر تهران بیشتر و آسیب‌پذیری آن بسیار بالاست و این سیستم در استان‌های دیگر به اجرا نرسیده است. البته ضروری است حداقل در کلان‌شهرهایی مانند اصفهان، مشهد، اهواز و... این سیستم انجام شود که اجرای این سیستم هم هزینه بالایی ندارد و البته شرکت گاز هم شرکتی درآمدزا بوده و می‌تواند این پروژه را در اولویت خود قرار دهد.

تجدید مناقصه ۱۳-۱۴۰۳

یک شرکت در نظر دارد بهره برداری و تأمین روزانه ۲۰۰ متر مکعب آب از آب شیرین کن مجتمع صنعتی و معدنی شهید سپهبد قاسم سلیمانی را از طریق تشریفات قانونی مناقصه تک مرحله‌ای با شرایط ذیل به اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.

۱ – موضوع مناقصه: بهره برداری و تأمین روزانه ۲۰۰ متر مکعب آب از آب شیرین کن مجتمع صنعتی و معدنی شهید سپهبد قاسم سلیمانی مطابق مشخصات فنی مندرج در اسناد و جزئیات پیوست؛
۲ – مدت قرارداد : یکسال شمسی؛
۳ – مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۱.۴۰۰.۰۰۰.۰۰۰ (یک میلیارد و چهارصد) ریال؛
۴ – زمان دریافت اسناد مناقصه : از ساعت ۸:۳۰ الی ۱۵:۳۰ روز کاری ۱۴۰۳/۰۹/۰۳ لغایت ۱۴۰۳/۰۹/۰۷؛
۵ – مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد مناقصه: فیش واریز به مبلغ ۲.۰۰۰.۰۰۰ (دو میلیون) ریال به شماره حساب جاری IR ۵۹۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۰۵۲۳۰۲۳۰۱۵۲ بانک مرکزی خزانه‌داری کل به همراه معرفینامه؛
۶ – آدرس دریافت اسناد : تهران، اتوبان حکیم (غرب به شرق)، بلوار آزادگان، انتهای خیابان ۲۴ غربی، مجتمع فرهنگی ورزشی آفتاب، طبقه ۳ پارکینگ طبقاتی، تلفن: ۸۲۰۶۵۵۰۱-۰۲۱: امور قراردادی: داخلی ۴۲۶ امور فنی: داخلی ۲۵۰
۷ – آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها : ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۳/۰۹/۲۱؛

شناسه آگهی ۱۸۲۹۷۱۰ م الف ۲۹۷۷

سازمان بنادر و دریانوردی

فراخوان عمومی: اعطاء تسهیلات کمیته وجوه اداره شده سازمان بنادر و دریانوردی جهت ساخت شناورهای مسافری

نوبت اول

سازمان بنادر و دریانوردی در راستای ارتقای کیفیت ایمنی سفرهای دریایی، تقویت و نوسازی ناوگان دریایی مسافری، در نظر دارد؛ از محل منابع وجوه اداره شده خود و بار رعایت کلیه شرایط و ضوابط مقرر، جهت ساخت شناورهای مسافری در مجتمع های کشتی سازی داخل کشور، تسهیلات بدون بهره اعطا نماید. بدین منظور، از کلیه فعالان در حوزه مسافرت های دریایی و خطوط کشتیرانی، تعاونی های مسافربری، مالکین شناورهای مسافری و سرمایه گذاران عمومی واجد سابقه و تخصص در زمینه حمل و نقل دریایی، دعوت به عمل می آید؛ با مراجعه به درگاه خدمات الکترونیکی سازمان بنادر و دریانوردی به آدرس sp.pmo.ir ،ضمن اطلاع از شرایط و ضوابط، نسبت به ثبت نام و بارگذاری اسناد و مدارک مقتضی، اقدام نمایند.

شناسه آگهی ۱۸۲۶۷۶۳ م الف ۲۹۰۵